



## شناسایی عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار در آموزش کارآفرینی ورزشی دانشجویان علوم ورزشی

مهرناز سبزمیدانی

دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

وحید شجاعی (مسئول مکاتبات)

گروه مدیریت ورزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

shojaei.vahid@yahoo.com

محمد حامی

گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

### چکیده

زمینه: عوامل زمینه‌ای نقش مهمی در آموزش کارآفرینی ورزشی دارند. هدف: هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر آموزش کارآفرینی ورزشی دانشجویان علوم ورزشی بود. روش: روش پژوهش از نوع کیفی و به روش داده بنیاد بود. جامعه آماری پژوهش شامل اعضای هیات علمی دانشکده‌های مدیریت کارآفرینی دانشگاه‌های دولتی، اعضای هیات علمی دانشکده‌های علوم ورزشی دانشگاه‌های دولتی سراسر کشور با تخصص کارآفرینی، اعضا و مدرسین ویژه و منتخب کارگروه اشتغال و کارآفرینی وزارت ورزش و جوانان و کارآفرینان منتخب ورزشی کشور بودند. نمونه‌گیری به روش گلوله برفی تعیین شد. جمع‌آوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و پژوهش‌های پیشین و مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده گردید. در ادامه از تعداد ۱۹ نفر از خبرگان مصاحبه شد که در نفر ۱۵ به اشباع نظری رسید. سپس داده‌های مصاحبه توسط نرم افزار مکس کیودا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها: براساس نتایج حاصل از پژوهش، عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر آموزش کارآفرینی ورزشی در ۵ مقوله (تیم سازی، حمایت دولتی، سیستم آموزشی، سیستم تشویقی و عوامل فرهنگی) شناسایی گردید. بحث و نتیجه‌گیری: با عنایت به یافته‌های پژوهش، به منظور آموزش کارآفرینی ورزشی، نیاز به مهیا نمودن شرایط زمینه‌ای احساس می‌شود. در همین راستا دانشگاه‌ها می‌توانند در رویکردهای ارتباطی، توسعه و تمرکز و اجتماعی به عنوان یک تسهیل کننده عمل نموده و شرایط را برای آموزش کارآفرینی ورزشی دانشجویان علوم ورزشی فراهم آورند. برنامه‌ها باید به سمت خلاقیت و نوآوری سوق داده شوند و با تلفیق دانش نظری و عملی مرتبط با کارآفرینی ورزشی در نهایت از دانشگاه دانش محور به دانشگاه کارآفرین حرکت کنند.

**واژگان کلیدی:** آموزش کارآفرینی، کارآفرینی ورزشی، نظریه داده بنیاد، دانشجویان علوم ورزشی، مدیریت کارآفرینی.

### مقدمه

است، آموزش کارآفرینان در دانشگاه‌ها از اهمیت مضاعفی برخوردار است (سانچز-لیور و همکاران، ۲۰۲۱). بر اساس پژوهش‌ها، آموزش کسب و کار و فرهنگ کارآفرینانه، گسترش مراکز تحقیق و توسعه کارآفرینی، برگزاری کارگاه‌های آموزش کارآفرینی دیجیتالی و ... راه کارهایی برای ایجاد اشتغال و بهبود بحران بیکاری جامعه است (کوستا و میراگایا، ۲۰۲۲). بررسی روند توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای توسعه یافته در دهه‌های اخیر بیانگر آن است که در اغلب آن‌ها کارآفرینی به عنوان یکی از موضوعات راهبردی در حوزه سیاستگذاری مورد توجه بوده است. آن‌ها دریافته‌اند که اقتصاد تحت تأثیر کارآفرینی است (مهد نور و همکاران، ۲۰۲۱) و کارآفرینان در توسعه اقتصادی و اجتماعی نقش بسزایی دارند (راج پوت، ۲۰۱۵؛ آرتاخو و آنتون، ۲۰۲۲).

به علت نقش حیاتی کارآفرینی، برای بهبود و ارتقای آن تلاش‌های بسیاری شده که از جمله مهم‌ترین آن‌ها ارائه برنامه‌های آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی در کشورهای مختلف جهان است. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که از عمده‌ترین عوامل تعیین‌کننده سطح کارآفرینی در هر کشوری، آموزش کارآفرینی است (والریو و همکاران، ۲۰۱۴؛ راتن و جونز، ۲۰۱۸). از مؤلفه‌های مهم کیفیت آموزشی دانشگاه‌های کشور، محتوای برنامه درسی رشته‌های مختلف است. بنابراین، اصلاح برنامه‌های درسی با توجه به تغییرات جامعه، توسعه علم و آینده‌نگری برای توسعه متوازن و مطلوب جامعه ضروری است. تربیت‌بدنی و علوم ورزشی نیز از این امر مستثنی نیست و امروزه بیش از هر زمان دیگر نیاز به برنامه‌ریزی مداوم در آن به چشم می‌خورد (کوزه چیان، ۲۰۱۰).

پژوهشگران اذعان دارند که کیفیت دانشکده‌های تربیت‌بدنی کشور از لحاظ تربیت نیروی انسانی کارآمد و ماهر در زمینه تربیت‌بدنی و ورزش و همچنین ایجاد ارتباط مؤثر در سطح متفاوتی قرار دارد (نقابی و همکاران، ۲۰۱۲). کوزه چیان

امروزه یکی از مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌های مسئولان اقتصادی کشور، مسئله اشتغال و کارآفرینی است (کریسان و همکاران، ۲۰۲۱). در واقع بحران بیکاری، تهدیدی برای کل جامعه است؛ به‌ویژه بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، پیامدهای غیرقابل جبرانی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خواهد داشت (هم و همکاران، ۲۰۱۶). تحولات و تغییرات سریع و چشم‌گیر در جامعه بین‌المللی و نیز گذر از جامعه سنتی به جامعه اطلاعاتی در کنار تغییراتی همچون جهانی شدن باعث به وجود آمدن راهبرد های مختلفی شده است تا از طریق آنها، امکان رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال و رفاه در جامعه فراهم شود. در این میان از کارآفرینان به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در توسعه پایدار نام برده می‌شود. بر عهده گرفتن رسالت کارآفرینی در مراکز آموزش عالی با توجه به شرایط روز، از جمله دگرگونی‌ها در دانشگاه‌ها است (برزینیس و ژانگ، ۲۰۱۹). به همین منظور، دانشگاه‌ها می‌بایست پارادایم سنتی آموزش را در راستای تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین به پارادایم جدیدی تغییر دهند (سانچز-لیور و همکاران، ۲۰۲۱؛ لارا-بوکانگرا و همکاران، ۲۰۲۲). ظهور دانشگاه کارآفرین در واقع پاسخی به اهمیت روز افزون دانش در نظام ملی و ناحیه‌ای نوآوری و شناخت جدید از دانشگاه است، یعنی نهادی که عامل انتقال دانش و تکنولوژی و منبع اختراعات خلاقانه به شمار می‌رود و از لحاظ اقتصادی با صرفه است. در دو دهه اخیر، دولت‌ها در سراسر جهان علی‌رغم تفاوت نظام‌های دانشگاهی و صنعتی، به این پتانسیل دانشگاه‌ها از نظر صنعتی برای ارتقای محیط ملی نوآوری نگریده‌اند (بیکری فر و مه نگار، ۲۰۱۲). یکی از اهداف مهم آموزش عالی کشورمان در چند سال اخیر، پرورش نیروی انسانی کارآفرین بوده است. در شرایط کنونی که اقتصاد کشورمان با مسائل و نارسایی‌های مهمی نظیر فرار مغزها، بیکاری (به‌ویژه در فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها)، کمبود نیروی انسانی متخصص، کاهش سرمایه‌گذاری دولت، عدم تحرک و رشد اقتصادی کافی روبرو

جدید پرداخته شود (کلانی و همکاران، ۲۰۱۶). این به معنی حرکت از تمرکز محدود بر انتقال دانش به یک شبکه مبتنی بر رهیافت تبادل دانش است. این ویژگی از ویژگی‌های مؤسسات آموزش عالی کارآفرینانه به شمار می‌رود (پرکمن و همکاران، ۲۰۱۳).

از طریق ورزش ایده‌های نو شکوفا شده و زمینه‌های بروز کارآفرینی فراهم می‌شوند (راتن، ۲۰۱۱). کارآفرینی ورزشی به عنوان فصل مشترک کارآفرینی و مدیریت ورزشی، حوزه نوظهوری محسوب می‌شود که به سرعت در حال شکل‌گیری است (هم و همکاران، ۲۰۱۶). کارآفرینی در ورزش را می‌توان فرایند استفاده از فرصت‌های اقتصادی موجود در ورزش دانست. فرصت‌هایی که در ظاهر ممکن است تهدید و یا کمبود به نظر آیند و یا مورد توجه خاصی نباشند، اما ایجاد مشاغل جدید، نوآوری در محصولات و خدمات ورزشی، تبدیل کمبودها به فرصت‌هایی برای اشتغال و یا ایجاد بازار کار جدید، مسائلی است که در کارآفرینی ورزشی می‌توان به آن‌ها پرداخت (سعیدی مهرآباد و مهدی، ۲۰۰۹). در واقع، این نوع آموزش فعالیتی به شمار می‌رود که از آن برای انتقال دانش و اطلاعات مورد نیاز برای راه‌اندازی و اداره کسب و کارهای جدید استفاده می‌شود (جونز و انگلیش، ۲۰۰۴).

در زمینه عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار در آموزش کارآفرینی ورزشی دانشجویان علوم ورزشی مطالعات اندکی در داخل و خارج از کشور انجام شده است. مرور آن‌ها بیانگر این است که به نتایج مشابهی دست یافته‌اند.

استا و میراگایا (۲۰۲۲)، پژوهشی با عنوان «بررسی سیستماتیک کارآفرینی زنان در صنعت ورزش: آیا چیزی تغییر کرده است؟» انجام دادند. هدف این پژوهش بررسی نظام مند ادبیات به منظور تحلیل چگونگی بررسی کارآفرینی زنان در زمینه سازمان‌های ورزشی در جامعه علمی انجام شده بود. این پژوهش به بررسی نوزده پژوهش در چهار خوشه (آموزش و کارآفرینی، ورزش و توسعه مهارت‌های

پیشنهاد نموده است که باید یک بازنگری اساسی در سرفصل دروس، تعداد دروس و واحدهای عملی و نظری دوره کارشناسی تربیت‌بدنی صورت گیرد. از نظر مدیران و کارشناسان میزان تناسب درس‌های ورزشی رشته تربیت‌بدنی در حدی کمتر از متوسط است، یعنی این درس‌ها جواب‌گوی نیازهای شغلی نیست (کوزه چیان، ۲۰۱۰).

در عصر حاضر، نیازهای بازار کار به سرعت در حال تغییر و تحول است، به طوری که کارفرمایان به دنبال افراد ماهری در کسب و کار هستند که نیازهای مشتریان را بشناسند و دارای مهارت‌هایی نظیر حل مسئله، کار گروهی، ارتباطات و تکنولوژی‌های اطلاعاتی و حسابداری باشند. همچنین، آنان به دنبال افرادی هستند که به شعار «خواستن توانستن است» باور داشته باشند؛ در این راستا، الزامات اشتغال‌پذیری با شایستگی‌ها و مهارت‌های مرتبط با کارآفرینی هم‌پوشانی دارند؛ هر دو در یک مفهوم گسترده‌تر به قابلیت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز برای راه‌اندازی و اداره یک کسب و کار اشاره دارند (گیب و همکاران، ۲۰۱۵؛ نقابی و همکاران، ۲۰۱۲). بر این اساس، بهبود و ارتقای قابلیت اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی بایستی مورد توجه برنامه‌ریزان نظام آموزش عالی قرار گیرد. در این راستا، بایستی خاطرنشان کرد که این امر مستلزم هم‌افزایی بین آموزش، پژوهش و کارآموزی و ساختارهای شبکه‌ای قوی‌تر بین دانشگاه‌ها و بازار کار محلی و حتی غیرمحلی است. به هر حال، این امر مستلزم پاسخگویی دانشگاه‌ها به دانش‌آموختگانی است که نسبت به سایرین از ریسک‌گریزی پایین‌تری برخوردارند و علاقه بیش‌تری به کشف مشاغل و کسب و کارهای جدید دارند و همچنین دارای ارتباطات بین‌المللی بهتری هستند (اتسکوویتز و کلوفستن، ۲۰۰۵). دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی برای همگام شدن با تغییرات و تحولات اخیر بایستی در فرآیندهای خلق و تولید دانش خود تغییرات بنیادینی اعمال نمایند (گیب و همکاران، ۲۰۱۵) و در این راه از مدیران خلاق و نوآور و ریسک‌پذیر در پست‌های سازمانی استفاده و به ترغیب و تشویق ایده‌های

دانش آموزان (مطالعه موردی: هنرستان های شهر تهران)» انجام دادند. نتایج نشان داد مولفه های (آموزش کارآفرینانه، روحیه کارآفرینی، مشاوره تحصیلی و شغلی، سبک رهبری و مدیریت هنرستان ها، ارتباط با صنعت و تجارت، محتوای آموزش کارآفرینی، توسعه مهارت های کارآفرینی در فراگیران، فضا و تجهیزات آموزشی، و در نهایت روش های آموزش کارآفرینی) به عنوان مولفه ها و شاخص های موثر بر نظام آموزشی جهت توسعه نگرش کارآفرینانه دانش آموزان هنرستان های شهر تهران است. سانچز-لیور و همکاران (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان «روش های نوین کارآفرینی ورزشی در دانشگاه» انجام دادند. هدف از این پژوهش افزایش دانش در زمینه کارآفرینی و ورزش در دانشجویان، اساتید و متخصصان از طریق سمینارهایی بود که از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ برگزار شد. این مطالعه، تجربیات و داده های استخراج شده از این سمینارها را با هدف کمک به طراحی سیاست هایی که فعالیت تجاری دانشگاه ها و ارتقای روحیه کارآفرینی در زمینه آموزش عالی بود، را خلاصه می کند. رفیعی و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «طراحی الگوی محتوای آموزش کارآفرینی برای رشته های علوم انسانی» یافته های حاصل از پژوهش خود را در قالب یک الگوی مفهومی تبیین شده در سه سطح خودآگاهی، خودکارآمدی و خودشکوفایی تدوین کرد که نقش بسزایی در ارائه یک آموزش هدفمند و همه جانبه در آموزش عالی به ویژه برای رشته های علوم انسانی در آموزش عالی خواهد داشت. راتن و جونز (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان «جهت گیری های تحقیقاتی آینده برای آموزش ورزش: به سمت رویکرد یادگیری کارآفرینانه» انجام دادند. هدف این پژوهش معرفی یک رویکرد یادگیری کارآفرینانه در مطالعه آموزش ورزش به منظور اطلاع از جهت گیری های تحقیقاتی آینده بود. آموزش ورزش باید بر این تمرکز کند که چگونه می تواند بر موانع موجود غلبه کند تا رویکردی بین رشته ای تر ارائه دهد. این پژوهش از تئوری آموزش کارآفرینی برای بررسی تغییرات مورد نیاز در ارائه آموزش ورزشی برای ایجاد یک

کارآفرینی، موانع کارآفرینی و کارآفرینی اجتماعی) گروه بندی شد. نتایج حاکی از آن بود که علیرغم تمامی تلاش هایی که تاکنون انجام شده، موانع متعددی بر سر راه کارآفرینی زنان باقی مانده است. با این حال، مشخص شده است که فعالیت بدنی و ورزش به توسعه مهارت ها و توانایی هایی کمک می کند که ممکن است برای ابتکارات کارآفرینی اساسی باشد. شکل گیری در بستر آموزش عالی نیز به عنوان ابزاری اساسی برای تحریک کارآفرینی زنان شناخته شده است. این مطالعه تاثیر مثبتی بر فرصت های شغلی زنان در صنعت ورزش داشت. لارا- بوکانگرا و همکاران (۲۰۲۲)، پژوهشی با عنوان «نوآوری از کارآفرینی ورزشی و کارآفرینی داخلی: فرصت هایی از یک بررسی سیستماتیک» انجام دادند. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل و تعیین وضعیت در مورد کارآفرینی و کارآفرینی در ورزش، شناسایی نقش نوآوری در هر دوی آن ها و همچنین تعیین آخرین روندهای مطالعه و شناسایی جایگاه های پژوهشی احتمالی بود. یافته های نشان دهنده کاستی ها در تحقیقات در زمینه پیش آزمون ها/مواد اولیه رفتار کارآفرینانه و درون آفرینی، به ویژه در رابطه با نوآوری، اهمیت دیدگاه سیاسی کارآفرینی در ورزش و تدوین برنامه های آموزشی رفتاری برای کارآفرینان داخلی بود. رحمتی و همکاران (۲۰۲۲)، به پژوهشی با عنوان «ارائه مدل توسعه ی کارآفرینی ورزشی در باشگاه های حرفه ای لیگ برتر فوتبال: یک رویکرد آمیخته» پرداختند. در همین راستا، مطالعه حاضر با هدف ارائه مدل توسعه کارآفرینی ورزشی در باشگاه های حرفه ای لیگ برتر فوتبال صورت پذیرفته است. یافته های این مطالعه می تواند با فراهم نمودن زمینه توسعه ی کارآفرینی در بین باشگاه های لیگ برتر حرفه ای فوتبال، علاوه بر ارائه راه حل های متنوع جهت ایجاد کارآفرینی، به مدیران باشگاه های لیگ برتر حرفه ای فوتبال ایران برای حل مشکلات اقتصادی باشگاه ها نیز کمک نماید. فیروزی لاکتراشانی و همکاران (۲۰۲۲)، پژوهشی با عنوان «ارائه الگوی نظام آموزشی مبتنی بر توسعه نگرش کارآفرینانه

که قادر به تحمل چه میزان خسارت هستند، تصمیم گیری می کنند. نادیده گرفتن کانال های بازاریابی سنتی، اتکاء بر منابع و دارایی های در دسترس و استفاده از فرایند آزمون و خطا نمونه هایی از تفکر منطقی کارآفرینان هستند. مند علی زاده و همکاران (۲۰۱۶) به پژوهشی با عنوان «طراحی مدل کارآفرینی پایدار در ورزش با استفاده از نظریه برخاسته از داده ها» پرداختند. یافته ها نشان داد که نگرش و ذهنیت کارآفرینانه افراد با در نظر گرفتن نهادهای درگیر و محیط نهادی می تواند بر فرایند کارآفرینی پایدار ورزشی اثرگذار باشد تا نتایج حاصل از آن در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط نهادی جامعه ورزش را به سمت و سوی توسعه پایدار هدایت کند. به نظر می رسد راهبردهای حاصل از مدل از جمله سیاست های حمایتی از طرف دولت، تشویق رسانه ها از کارآفرینی در ورزش و آموزش صحیح مهارت های کاربردی و کارآفرینانه بتواند به کارآفرینی و استمرار کسب و کارها و به نتیجه رسیدن اهداف اجتماعی و نهادی به کشور و جامعه ورزش کمک کند. شمس الدین<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۵) به «نقد و بررسی سیاست ها و شیوه آموزش کارآفرینی» در مالزی پرداختند. یافته ها نشان داد تمرکز دولت بر این جنبه های بهبود سیاست های کنونی آموزش کارآفرینی، ارائه برنامه های کارآفرینی مختلف به منظور افزایش تعداد کارآفرینان جوان و نیاز به توانمندسازی آموزش کارآفرینی در فارغ التحصیلان بوده است. راج و هالسنینگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۵)، پژوهشی با عنوان «تأثیر آموزش کارآفرینی بر رفتار کارآفرینی» بررسی کردند. یافته ها نشان دادند که آموزش کارآفرینی مؤثر است. به ویژه دانشجویانی که در دوره های کارآفرینی شرکت می کنند، نگرش و کنترل رفتاری درک شده بالایی را نشان می دهند. نووا<sup>۳</sup> (۲۰۱۵)، پژوهشی با عنوان «توسعه مهارت های کارآفرینی در دانشجویان مدیریت ورزش» انجام داد. وی چارچوبی مفهومی

محیط آموزشی مرتبط تر و مساعدتر استفاده کرد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که با برقراری ارتباط دانشجویان ورزشی با آموزش کارآفرینی، می توان به توسعه مهارت های شغلی و اجتماعی بهبود یافته کمک کرد. زیویار و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان «شناسایی موانع ساختاری کارآفرینی سازمانی در وزارت ورزش و جوانان» با تحلیل داده های کیفی به هفت مانع ساختاری کارآفرینی سازمانی در وزارت ورزش و جوانان (موانع سیستم تحقیق و توسعه، سیستم ارزیابی عملکرد، سیستم پاداش، تصمیم گیری، راهبرد، سیستم مالی و ساختار سازمانی دست یافتند. مرزبان و همکاران (۲۰۱۷)، پژوهشی با عنوان تحلیل «موانع آموزش کارآفرینی در مدارس» انجام دادند. یافته های پژوهش نشان داد عواملی از قبیل (نبودن برنامه و هماهنگی در سطح کلان بین آموزش و پرورش و موسسات مورد بازدید، تسلط کم معلمان در زمینه بازاریابی، آشنایی کم معلمان با فضای کسب و کار، اطلاع کم معلمان در زمینه نظریات کارآفرینی، بی توجهی مسئولین اداری در مورد تشکیل دوره های آموزشی کوتاه مدت ضمن خدمت در زمینه کسب و کار و عدم تشویق معلمان فعال توسط مسئولین اداری در زمینه کسب و کار) از مهم ترین موانع کارآفرینی و کسب و کار در مدارس بودند. هم و همکاران (۲۰۱۶)، پژوهشی با عنوان «توسعه و تدوین یک نظریه کارآفرینی ورزشی از طریق مطالعه پدیدارشناختی» انجام داد. پژوهشگران به چهار مؤلفه اصلی ماهیت کارآفرینی صنعت تناسب اندام دست (فرایندی بودن کارآفرینی، یادگیری استراتژیک، وابستگی کنترل شده و تناسب اندام) یافتند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که کارآفرینان اولویت اصلی خود را به هدف گزینی اختصاص نمی دهند چون نمی دانند در آینده چه پیش خواهد آمد. آن ها در عوض بر آن چه که دارند، آن چه که قادر به انجام آن هستند و افرادی که می شناسند تأکید داشته و بر اساس این

<sup>۳</sup> Nova .

<sup>۱</sup> Shamsudin, Al-Mamun, Nawi, Nasir & Zakaria

<sup>۲</sup> Rauch & Hulsink

مراکز رشد، کاهش مراحل اداری-بانکی و ثبت شرکت ها و ایجاد شبکه های حامی کارآفرینی عنوان کردند. رحیمی و همکاران (۲۰۱۳)، پژوهشی با عنوان «برآورد سهم نسبی کارآفرینی از شیوه مدیریت مشارکتی از دیدگاه کارکنان اداره کل تربیت بدنی استان یزد» انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد بین مدیریت مشارکتی و کارآفرینی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد، به طوری که مدیریت مشارکتی تمامی مؤلفه های کارآفرینی را تحت تأثیر قرار می داد. صفری و سمیعزاده (۲۰۱۲)، پژوهشی با عنوان «نیازسنجی وضعیت آموزش کارآفرینی در رشته های علوم انسانی» انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد با وجود وضعیت نامناسب آموزش کارآفرینی چه از دید اساتید و چه از دید دانشجویان گنجاندن موضوعاتی مانند (مبانی و طرح کسب و کار، ارتباطات، مدیریت و سازمان، قوانین و مقررات حقوقی و تجاری، حسابداری، مدیریت مالی، کسب و کار الکترونیک، تأسیس کسب و کار، بازاریابی، مدیریت استراتژیک، کسب و کار بین الملل، مهارت های کارآفرینی را برای گسترش دانش و مهارت کارآفرینی و آگاهی های کارآفرینانه دانشجویان) در آموزش کارآفرینی رشته های علوم انسانی را لازم می دانند. کلاته سیفری و تند نویس (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان «رابطه بین فرهنگ سازمانی و کارآفرینی سازمانی در اداره کل تربیت بدنی استان تهران» با هدف تعیین رابطه بین فرهنگ سازمانی با کارآفرینی سازمانی در اداره کل تربیت بدنی استان تهران انجام دادند و نشان دادند که در میان مولفه های کارآفرینی سازمانی (ساختار، اهداف و استراتژی، حمایت مدیریت و سیستم پاداش و تشویق با فرهنگ سازمانی ارتباط مثبت و معنی داری نشان دادند. اما بین سیستم آموزش و اطلاعات و فرهنگ سازمانی ارتباط معنی داری مشاهده نشد. موسوی راد، فراهانی، نجات اصفهانی و هنری (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان «آموزش کارآفرینی و تأثیر آن بر مهارت های کارآفرینی، قصد

در مورد ضرورت توسعه قابلیت های کارآفرینی در برنامه های دانشگاهی مدیریت ورزشی ایجاد کرده است. او این چارچوب را بر اساس ویژگی های خاص ورزش (مانند شور و تعصب بالا، ایده ال گرایی و وفاداری به برند، غیرقابل پیش بینی بودن نتایج، رابطه نمادین با رسانه ها) و اثرات آن ها بر کارآفرینی در ورزش (مانند ریسک پذیری بسیار بالا در ورزش نسبت به سایر تجارت ها، نوآوری های ورزشی که پیوند ورزش و رسانه را بیشتر می کنند) ارائه کرده است. آموزش کارآفرینی در رشته مدیریت ورزشی باید به صورت یک برنامه درسی در آید و مشتمل بر آموزش شناسایی فرصت ها، راه اندازی کسب و کار مخاطره آمیز و توسعه سازمان های ورزشی موجود باشد. در نهایت، چارچوب مذکور بر این اصل استوار است که آموزش مهارت های کارآفرینی در دانشجویان مدیریت ورزشی باید اهداف و ویژگی های دانشجویان را مد نظر قرار داده و یادگیری دانشجو محور و متکی بر مطالعات و پروژه های موردی باشد. پیکسوتوا (۲۰۱۳)، پژوهشی با عنوان «آموزش کارآفرینی در علوم ورزشی: توسعه برنامه درسی» انجام داد. نتایج حاکی از رضایت بخش بودن قصد کارآفرینانه داشت. نگرش ادراکی و کنترل رفتار ادراکی تأثیر معنادار و مثبتی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان داشت درحالی که هنجارهای ذهنی دارای تأثیر منفی و ناچیزی بوده است. علاوه بر این، تفاوت معناداری از نظر جنسیت و تجارب حرفه ای بین دانشجویان به دست نیامد. کرد نایچ و همکاران (۲۰۱۳)، پژوهشی با عنوان «راهکارهای ساختاری توسعه کارآفرینی در ایران» انجام دادند. آن ها مهم ترین راهکارهای ساختاری توسعه کارآفرینی در کشور را به ترتیب تدوین سند ملی توسعه کارآفرینی، ایجاد مراکز کارآفرینی و خدمات مشاوره، اصلاح قوانین و مقررات اداری-بانکی، تأسیس دانشکده و آموزشگاه کارآفرینی، ارائه حمایت های مالی و مالیاتی سازمان یافته، ایجاد و تقویت پارک های علم و فناوری و

انجامید. مصاحبه‌ها بر روی کاغذ پیاده‌سازی شد. پس از پیاده‌سازی، پاسخ‌ها از طریق ایمیل برای مصاحبه‌شونده فرستاده شد تا صحت آن‌ها تأیید شود. در نهایت، داده‌ها برای تحلیل نهایی استفاده شد.

جامعه آماری پژوهش را حاضر اعضای هیأت علمی دانشکده‌های مدیریت کارآفرینی دانشگاه‌های دولتی سراسر کشور، اعضای هیأت علمی دانشکده‌های تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه‌های دولتی سراسر کشور با تخصص کارآفرینی، اعضا و مدرسین ویژه و منتخب کارگروه اشتغال و کارآفرینی وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران و کارآفرینان منتخب ورزشی کشور بودند که برای انتخاب نمونه پژوهش از روش نمونه‌گیری گلوله برفی با معیار انتخاب خبرگان (داشتن تحصیلات مرتبط با موضوع پژوهش، داشتن تجربه کاری بالای ۳ سال در حوزه کارآفرینی ورزشی، حداقل داشتن پست مدیریتی، اجرایی، تخصصی یا کارشناس خبره) استفاده گردید. حجم نمونه در حین فرآیند پژوهش مشخص گردید، زیرا در پژوهش‌های کیفی اشباع شدن اطلاعات مهم‌تر از تعداد افراد مورد مطالعه می‌باشد، بدین معنی که محقق جمع‌آوری اطلاعات را باید تا زمانی ادامه دهد که اطلاعاتی که از شرکت‌کنندگان جمع‌آوری می‌کند، تکراری شده و اطلاعات جدیدی به اطلاعات گردآوری‌شده قبلی اضافه نشود، به عبارت دیگر داده‌های گردآوری‌شده به اشباع نظری برسند. با در نظر گرفتن نکات فوق در مجموع در این مطالعه ۱۵ مصاحبه انجام و ضبط گردید.

به منظور تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده و با هدف افزایش دقت و درستی تجزیه و تحلیل‌ها، از منابع کتابخانه‌ای و پژوهش‌های پیشین و روش مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده گردید و تمامی مصاحبه‌ها ضبط و سپس هر مصاحبه به‌طور جداگانه، واژه به واژه تایپ شد. پژوهشگر هر مصاحبه ضبط‌شده و یادداشت‌های مرتبط با آن را بلافاصله در ۲۴ ساعت اول با دقت و سطر به سطر مطالعه کرده و مفاهیمی که

کارآفرینی و امید به اشتغال دانشجویان تربیت‌بدنی» پرداخت و بیان کرد که قصد و نیت کارآفرینانه پیش‌نیازی ضروری برای بروز و توسعه رفتارهای کارآفرینانه است و تلاش و کوششی است که فرد از آن به‌عنوان بهترین پیش‌بینی رفتار در آینده انجام خواهد داد. لذا، قبل از این که افراد وارد عرصه کارآفرینی شوند، باید قصد و نیت کارآفرینانه در آن‌ها شکل گیرد.

از این رو پژوهشگر در پژوهش پیش روی تلاش داشت تا به شناسایی عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر آموزش کارآفرینی ورزشی دانشجویان علوم ورزشی بپردازد. امید است نتایج این پژوهش بتواند برای تحریک روحیه کارآفرینی و ارتقا دانش، نگرش و مهارت دانشجویان علوم ورزشی در زمینه کارآفرینی و همچنین مورد استفاده سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی و تربیت‌بدنی و ورزش کشور به‌منظور تسهیل انتقال جمعیت مسئولیت‌پذیرتر به بازار کار واقع گردد.

### روش پژوهش

رویکرد کلی پژوهش حاضر از نوع کیفی می‌باشد که در این قسمت به بررسی مبانی نظری و مرور سیستماتیک و انجام مصاحبه نیمه ساختار یافته و شناسایی عوامل تأثیرگذار در این حوزه منتج شد. همچنین در این روش پژوهشگر با توجه به داده‌های کیفی، مقوله‌های جدیدتری را شناسایی نمود. پژوهشی حاضر از لحاظ جهت‌گیری پژوهش جزء پژوهش‌های بنیادی است. نتیجه پژوهش‌های بنیادی، ارائه شاخص‌ها و مؤلفه‌های تحقق است. استراتژی پژوهش حاضر مرور سیستماتیک و نظریه داده بنیاد است. جهت اجرا از مصاحبه نیمه ساختار یافته به‌منظور گردآوری داده‌ها استفاده شد. و بعد از بررسی و مطالعه‌های فراوان و با استفاده از نظر کارشناسان سؤالات مصاحبه‌نهایی و مصاحبه‌ها آغاز شد و تا حد اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت. در طول مصاحبه دقت می‌شد که عقاید مصاحبه‌گر به شرکت‌کنندگان القاء نشود تا بر نظرات آن‌ها تأثیر نگذارد. هر مصاحبه به فراخور میزان جذابیت و اطلاع مصاحبه‌شونده از موضوع، بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه به طول

## یافته ها

شرح و بسط عوامل زمینه‌ای در پژوهش حاضر، بر مبنای داده‌های مصاحبه‌ها و حاصل تجزیه و تحلیل ۱۵ مصاحبه نیمه ساختار یافته بوده که ابتدا استخراج مفاهیم انجام شد و هر چقدر که یک عامل زمینه‌ای، کدهای بیشتری داشته باشد، به همان اندازه سایر جنبه‌های فرعی آن نیز با وضوح بیشتری شناسایی و مشخص شده است. مقوله، زیر طبقه‌ها و کدها (مفاهیم) به دست آمده در این پژوهش در جدول شماره (۱) قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۱. عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر آموزش کارآفرینی ورزشی دانشجویان علوم ورزشی

مفاهیم	طبقه فرعی	مقوله محوری
ایجاد تیم های کاری جهت پیاده سازی افکار	تیم سازی	رویکرد ارتباطی
بهره مندی از مزایای کار گروهی و شبکه ای		
وجود همدلی میان دانشجویان جهت جمع بندی و ارائه یک ایده ناب در کارآفرینی ورزشی		
وجود شبکه های آموزش جهت آموزش گروهی و جمعی		
تسهیل اخذ تسهیلات افراد کارآفرین ورزشی از دولت	حمایت دولتی	
ثبات سیاسی دولت		
توجه وزارت ورزش به مقوله کارآفرینی ورزشی		
احداث پارک های فناوری و کارآفرینی ورزشی در جامعه از طرف دولت		
حمایت دولت در زمینه تامین مواد اولیه مورد نیاز کارآفرینان ورزشی		
بازنگری مقررات دولتی		
ایجاد تعامل میان دولت و سازمان های کارآفرینی ورزشی		
ایجاد زیرساختهای مناسب کارآفرینی ورزشی از سوی دولت		
اعمال مالیات کم از طرف دولت برای توسعه کسب و کارهای کارآفرینی ورزشی		
عدم وجود مقررات سخت و خشک دولتی جهت تشکیل پروژه های کارآفرینی ورزشی		
حضور پررنگ تر دستگاه های تدوین قوانین جهت فرهنگ سازی سیاست های کارآفرینی		
ایجاد فرصت های کارآفرینی توسط دولت در بازار جهت ایجاد اشتیاق افراد		
بازنگری قوانین دولتی در مورد موانع کارآفرینی	حمایت دولتی	
تدوین برنامه‌های ملی مشوق کارآفرینی و ابلاغ به سازمان‌ها		
نظارت بر آموزش صحیح کارآفرینی توسط دولت		
قانونگذاری در سازمان‌ها از بعد کارآفرینی توسط دولت		
ایجاد مشاغلی توسط دولت که نیازمند وجود خلاقیت هستند		
ارتباط دانشگاه با صنعت و حوزه های کارآفرینی		

به ذهن می‌رسید را یادداشت می‌نمود. این مرحله از نخستین مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها در نظریه داده بنیاد است که اصطلاحاً به آن کدگذاری می‌گویند و سپس با استفاده از روش تحلیل داده‌ها که در نظریه داده بنیاد (شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی) تجویز شده است، داده های گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در نخستین مرحله از کدگذاری که باز نامیده می‌شود، پژوهشگر باید بارها و بارها، داده‌های گردآوری شده را مرور و از زوایای گوناگون به آن توجه کند و تلاش کند تا مفاهیم مستتر در آن را بازشناسد. هدف از کدگذاری باز، تجزیه مجموعه داده‌های گردآوری شده به کوچکترین اجزاء مفهومی ممکن است. وظیفه بعدی پژوهشگر دسته‌بندی و مقایسه مفاهیم استخراج شده از دل داده‌ها است. این مرحله شامل تعیین الگوهای موجود در داده‌ها است و به سطح مقوله‌بندی مشهور است. لازمه این مرحله مقایسه دائمی داده‌ها است. پژوهشگر داده‌های کدگذاری شده را با یکدیگر مقایسه می‌کند و به صورت خوشه‌ها یا مقوله‌هایی درمی‌آورد که با هم تناسب دارند. در آخرین مرحله از کدگذاری که به کدگذاری انتخابی معروف است، پژوهشگر با توجه به کدها و مفاهیم شناسایی شده در دو مرحله قبل، به گزینش و انتخاب مفاهیم می‌پردازد. در این مرحله، طبقات به طبقه مرکزی مرتبط می‌شوند و نظریه را شکل می‌دهند و نهایتاً پژوهشگر به دنبال کشف فرآیندها بود حاصل این مرحله رسیدن به طبقه اصلی بود که با سایر طبقات ارتباط داشت، آن‌ها را توضیح می‌دهد و در حقیقت پالایش شده کدهای اولیه بود. در این پژوهش از روش توافق بین دو کدگذار بر اساس ضریب کاپا (۰/۷۹) حاکی از رد فرض استقلال کدهای استخراج شده و تأیید وابستگی آن‌ها با یکدیگر است. از این رو می‌توان ادعا کرد که فرآیند کدگذاری از پایایی کافی برخوردار بوده است.



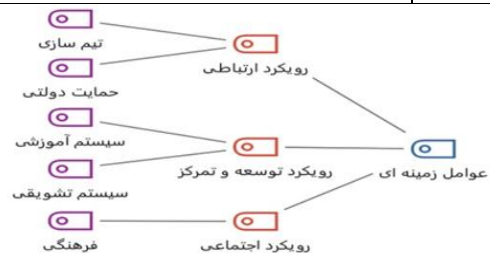
### بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها به سه مقوله محوری تحت عناوین رویکرد ارتباطی، رویکرد توسعه و تمرکز و رویکرد اجتماعی در راستای شناسایی عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر آموزش کارآفرینی ورزشی دانشجویان علوم ورزشی منتج گردید. همچنین در رویکرد ارتباطی دو زیر طبقه (طبقه فرعی) تحت عناوین (تیم سازی و حمایت دولتی)، در رویکرد توسعه و تمرکز دو زیر طبقه (طبقه فرعی) تحت عنوان (سیستم آموزشی و سیستم تشویقی) و نهایتاً در رویکرد اجتماعی یک زیر طبقه (طبقه فرعی) تحت عنوان (عوامل فرهنگی) شناسایی و استخراج گردید.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر و با در نظر گرفتن آن چه تاکنون در قالب پیشینه‌های پژوهش بیان گردید، شاخص‌های استخراج شده در مورد عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر آموزش کارآفرینی ورزشی دانشجویان علوم ورزشی با سایر نتایج پژوهش‌های مطرح شده همسو و همخوان بوده است. به‌ویژه این همسویی و همخوانی به شکل ویژه‌ای در پژوهش‌ها متمرکز شده بر آموزش کارآفرینی پیکسوتو (۲۰۱۳)، کرد نایج و همکاران (۲۰۱۳)، نووا (۲۰۱۵)، هم و همکاران (۲۰۱۶)، مند علی زاده و همکاران (۲۰۱۶)، زیویار و همکاران (۲۰۱۷) که بر شاخص‌های زمینه‌ای بر آموزش کارآفرینی تأکید داشته‌اند، قابل توجه می‌باشد.

تحلیل‌های صورت گرفته بر روی داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان داده است تیم‌سازی به‌عنوان یکی از مقوله‌های فرعی رویکرد ارتباطی در آموزش کارآفرینی ورزشی حائز اهمیت باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های رحیمی و همکاران (۲۰۱۳)، پرکمن و همکاران (۲۰۱۳)، گیب و همکاران (۲۰۱۵) همسو می‌باشد. دانشگاه‌ها می‌توانند با ایجاد تیم‌های کاری و بهره‌مندی از کار گروهی و شبکه‌ای و ایجاد همدلی میان دانشجویان به جمع‌بندی و ارائه یک ایده ناب در کارآفرینی ورزشی دست یابند. داشتن یک تیم کاری منسجم و قدرتمند باعث خواهد شد تا در مسیر کارآفرینی

مقاله محوری	طبقه فرعی	مفاهیم
رویکرد توسعه و تمرکز	سیستم آموزشی	وجود برنامه های مدون آموزش کارآفرینی ورزشی در دانشگاه
		وجود دوره های آموزش کارآفرینی ورزشی
		وجود گروه های خلاقیت و نوآوری در دانشگاه ها
		آموزش هدفمند و اثربخش کارآفرینی ورزشی به دانشجویان
		تدوین استراتژیهای منظم و یکپارچه از سوی دانشگاه جهت آموزش کارآفرینی ورزشی
		غیربال دانشجویان مستعد در برنامه های کارآفرینی ورزشی
		وجود قوانین منظم کارآفرینی ورزشی در دانشگاه
		وجود مرکز رشد شتاب دهنده در دانشگاه
		استفاده از اساتید متخصص در حوزه کارآفرینی ورزشی در دانشگاه
		به روز بودن مفاد درسی رشته کارآفرینی در دانشگاه
سیستم تشویقی	سیستم تشویقی	وجود دانشگاهی که ضعف و موقعتیهای بازار را به دانشجویان نشان دهد
		وجود دانشگاهی که بتواند به دانشجویان ایده خلاقانه و نوآور بدهد
		برگزاری کارگاه های آموزشی کارآفرینی ورزشی در دانشگاه
		آموزش صحیح مبانی کارآفرینی ورزشی در دانشگاه
		وجود فضای مناسب جهت آموزش کارآفرینی ورزشی در دانشگاه
		تلفیق دانش تئوریک و عملی مرتبط با کارآفرینی ورزشی در دانشگاه
		حرکت از دانشگاه دانش محور به دانشگاه کارآفرین
		دعوت از کارآفرینان برتر توسط دانشگاه جهت آشنایی دانشجویان با فرآیند کارآفرینی ورزشی
		ایجاد انگیزه در دانشجویان در قالب رویدادهای کارآفرینانه
		حمایت سازمان های مرتبط با کارآفرینی موجود در جامعه از کارآفرینان
رویکرد اجتماعی	فرهنگی	دریافت مشاوره از افراد کارآفرین موفق و یا شکست خورده
		ارائه تجربه کارآفرینی اساتید رشته ورزشی به دانشجویان
		معرفی دانشجویان به پارک های فناوری از سوی دانشگاه
		وجود مزیت های موجود در بازار
		امنیت سرمایه گذاری در مقوله کارآفرینی ورزشی
رویکرد اجتماعی	فرهنگی	معرفی دانشجویان مستعد کارآفرینی به نهادهای حمایتی
		دیدگاه مردم و میزان استقبال آن ها از کارآفرینی ورزشی در جامعه
		مقبولیت کارآفرینی ورزشی از منظر جامعه



شکل ۱. عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر آموزش کارآفرینی ورزشی دانشجویان علوم ورزشی

ایجاد زیرساخت‌های مناسب کارآفرینی ورزشی و تأمین مواد اولیه مورد نیاز کارآفرینان و بازنگری مقررات دولتی و همچنین کاهش مالیات‌ها فضایی را مهیا می‌نماید تا ضمن حمایت از کارآفرینی ورزشی، موفقیت دانشجویان و فارغ‌التحصیلان علوم ورزشی را در روند مخاطره‌آمیز آموزش کارآفرینی ورزشی و توسعه آن تسهیل نمایند.

همچنین تحلیل‌های صورت گرفته بر روی داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان داده است که سیستم آموزشی به‌عنوان یکی از مقوله‌های فرعی رویکرد توسعه و تمرکز در آموزش کارآفرینی ورزشی دانشجویان علوم ورزشی نقش دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های پیکسوتو (۲۰۱۳)، والرئو و همکاران (۲۰۱۴)، گیب و همکاران (۲۰۱۵)، راج و هالسینگ (۲۰۱۵) و نووا (۲۰۱۵) و رحمتی و همکاران (۲۰۲۲) همسو می‌باشد. برنامه‌های آموزشی، ارتباط معناداری با توسعه کارآفرینی ورزشی دارد. بدین معنا که هر چه میزان برنامه‌های آموزشی مرتبط با کارآفرینی و چگونگی راه‌اندازی کسب‌وکارهای بیشتر باشد، تمایل افراد به کارآفرینی بیشتر شده و درنهایت، توسعه کارآفرینی ورزشی در جامعه بیشتر خواهد شد. از آن جایی که آموزش به توانمندسازی افراد منجر می‌شود، با آموزش‌های کارآفرینی می‌توان توانمندی افراد را در زمینه کارآفرینی جهت داد. دانشجویان به‌منظور آموزش کارآفرینی ورزشی در دانشگاه‌ها نیازمند محیط مساعدی می‌باشند تا بتوانند به آن‌ها ایده‌های خلاقانه و نوآور بدهد، وجود برنامه‌های مدون آموزش کارآفرینی و مراکز رشد شتاب‌دهنده، غربال دانشجویان مستعد در برنامه‌های کارآفرینی ورزشی و استفاده از اساتید متخصص در این حوزه باعث حرکت از دانشگاه دانش‌محور به دانشگاه کارآفرین خواهد شد. ذکر این نکته بسیار مهم است که محتوا، روش و ساختار برنامه‌های آموزشی باید به گونه‌ای متفاوت با برنامه‌های آموزشی رایج باشد تا رویکرد تئوری‌گرا و منفعلانه کنونی دانشجویان تکرار نشود و طبق پژوهش‌های دانشمندان بهترین روش‌های مناسب یادگیری کارآفرینانه عبارت‌اند از (روش‌های

بسیار سریع‌تر به اهداف از پیش تعیین‌شده برسیم، همچنین این موضوع باعث می‌شود ما بهتر بتوانیم از پتانسیل‌های خودمان بهره‌برداری کنیم، مشکلات سیستم را زودتر تشخیص دهیم و برای آینده کسب و کارمان بهتر برنامه‌ریزی کنیم. علاوه بر این، زمان بیشتری برای تمرکز کردن بر روی ایجاد مزیت‌های رقابتی جدید از طریق نوآوری در محصولات و همچنین بازاریابی مدرن خواهیم داشت.

از سوی دیگر نتایج حاصل نشان داده است که حمایت دولتی به‌عنوان یکی از مقوله‌های فرعی رویکرد ارتباطی در آموزش کارآفرینی ورزشی دانشجویان علوم ورزشی حائز اهمیت می‌باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های گیب و همکاران (۲۰۱۵) و شمس‌الدین و همکاران (۲۰۱۵)، مند علی زاده و همکاران (۲۰۱۶) همسو می‌باشد. در کشور ما مراکز حمایت از کارآفرینان بسیار محدود و کارآفرین با تمام مشکلات، ضمن تلاش جهت تبدیل ایده به محصول باید تمام خطر سرمایه‌گذاری را خود عهده‌دار باشد. مراکز حمایت از کارآفرینان به دلیل نداشتن پشتوانه مالی و عدم حمایت جدی از طرف نهادهای ذی‌ربط قادر نیستند پاسخگوی نیازهای مالی کارآفرینان باشند. کارآفرینان با ایجاد کسب‌وکارهای کوچک با سرمایه محدود خود و گاهی با دریافت وام اندکی وارد یک حرکت اقتصادی و صنعتی می‌شوند و در بسیاری از مواقع زندگی و امکانات خود را در راه توسعه صنعتی از دست می‌دهند. توسعه کارآفرینی بدون حمایت دولت امکان‌پذیر نیست زیرا تجربه کشورهای دیگر که مسیر توسعه را طی کرده‌اند، نشان می‌دهد بدون حمایت دولت، توسعه کارآفرینی غیرممکن است. در صورتی که اگر دولت کارآفرینان را حمایت مالی کند، روند پیشرفت آن‌ها با سرعت بیشتری انجام می‌شود و بسیاری از گره‌های موجود در راه کارآفرینان باز خواهد شد. دولت‌ها کارآفرین تولید نمی‌کنند بلکه وظیفه دارند محیط را برای پرورش کارآفرینان آماده کنند، راهبردهای دولت می‌تواند منجر به ایجاد محیط مناسب کسب و کار شود. دولت در زمینه آموزش کارآفرینی ورزشی با احداث پارک‌های فناوری و کارآفرینی ورزشی و

با عنایت به یافته‌های پژوهش، به منظور آموزش کارآفرینی ورزشی، نیاز به مهیا نمودن شرایط زمینه‌ای احساس می‌شود. در همین راستا دانشگاه‌ها می‌توانند در رویکردهای ارتباطی، توسعه و تمرکز و اجتماعی به‌عنوان یک تسهیل‌کننده عمل نموده و شرایط را برای آموزش کارآفرینی ورزشی دانشجویان علوم ورزشی فراهم آورند. به‌طور کلی برنامه‌های آموزش کارآفرینی ورزشی در دانشگاه‌ها باید به سمت خلاقیت و نوآوری سوق داده شوند و با تلفیق دانش تئوریک و عملی مرتبط با کارآفرینی ورزشی در نهایت از دانشگاه دانش‌محور به دانشگاه کارآفرین حرکت کنند. امید است نتایج این پژوهش بتواند در آموزش کارآفرینی برای تحریک روحیه کارآفرینی و ارتقا دانش، نگرش و مهارت دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی در زمینه کارآفرینی و همچنین مورد استفاده سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی و تربیت‌بدنی و ورزش کشور به منظور تسهیل انتقال جمعیت مسئولیت‌پذیرتر به بازار کمک قابل ملاحظه‌ای بنماید.

با توجه به گستردگی بحث مربوط به آموزش کارآفرینی در دانشجویان علوم ورزشی می‌توان به پژوهشگران آتی پیشنهاد نمود عوامل مربوط به ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان و عوامل مربوط به زیر ساخت‌های اقتصادی حاکم بر جامعه و توسعه مهارت‌های کارآفرینی در دانشجویان علوم ورزشی به مدل پژوهش اضافه گردد.

کاربردی و آزمایشی). این روش‌ها شامل تجربه واقعی، مشاهده انعکاسی و ادراک انتزاعی می‌باشند.

از سوی دیگر نتایج حاصل نشان داده است که سیستم تشویقی به‌عنوان یکی دیگر از مقوله‌های فرعی رویکرد توسعه و تمرکز در آموزش کارآفرینی ورزشی دانشجویان علوم ورزشی مورد توجه قرار گرفته است. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های کلاته سیف‌ری و تندنویس (۲۰۱۲)، کلانی و همکاران (۲۰۱۶)، زیویار و همکاران (۲۰۱۷) و مرزبان و همکاران (۲۰۱۷)، همسو می‌باشد. نتایج این پژوهش به برنامه‌ریزان و مسئولین وزارت علوم و مسئولین دانشکده‌های تربیت‌بدنی کمک می‌نماید تا در کنار برنامه اصلی رشته تربیت‌بدنی، برنامه‌هایی جهت تشویق و ترغیب و افزایش ویژگی‌های کارآفرینی جوانان و دانشجویان برگزار کنند تا بدین‌وسیله روحیه خوداشتغالی و کارآفرینی را در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی گسترش دهند. به‌علاوه از طریق بازنگری در دروس اصلی رشته تحصیلی، دروسی که منجر به افزایش و بهبود ویژگی‌ها و در نهایت کارآفرینی دانشجویان می‌شوند، بیشتر مورد تأکید قرار گیرند. تا در نهایت برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و هماهنگی نهادهای مختلف شروع یک کسب‌وکار جدید را برای فارغ‌التحصیلان این رشته هموار سازد.

در نهایت تحلیل‌های صورت گرفته بر روی داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان داده است که عوامل فرهنگی به‌عنوان یکی از مقوله‌های فرعی رویکرد اجتماعی در آموزش کارآفرینی ورزشی دانشجویان علوم ورزشی نقش دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش اتسکوویتز و کلوپستن (۲۰۰۵) همسو می‌باشد. ارتباط میان کارآفرینی و فرهنگ، از دو سو قابل بحث است. از یک‌سو، نتایج کارآفرینی است که بر جامعه تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر، خود فرآیند کارآفرینی و فرهنگ حاکم بر آن است که هم متأثر از مبانی فرهنگ جامعه است و هم می‌تواند در آن تحولات اساسی ایجاد کند.

منابع:

Jones, C., & English, J. (2004). A contemporary approach to entrepreneurship education. *Education and Training*, 46(8/9), 416-423.

Kalani, A., Eskandari, I., & Mohammadi Shams Abadi, A. M. (2016). Role of entrepreneurship dimension in managers performance in sport and youth offices. *Sport Management Studies*, 8(36), 209-226. (Persian)

Kalateh Seifari, M., & Tondnevis, F. (2012). The relationship between organizational culture and organizational entrepreneurship in physical education headquarter of Tehran. *Research in Sports Management and Movement Behavior*, 2 (4), 105-117. (Persian)

Kellet, P., & Russell, R. (2009). A comparison between mainstream and action sport industries in Australia: A case study of the skateboarding cluster. *Sport Management Review*, 12(2), 66-78.

Khosravipoor, B., & Keykhah, SH. (2014). Entrepreneurship training, an efficient approach to the employment of agricultural students. *Work and Society*, 163, 26-39. (Persian)

Kilasi, P. (2013). The role of higher education in promoting entrepreneurship education: the case of public universities in Tanzania. Doctoral dissertation, University of Pretoria.

Koozechiyan, H. (2000). Studying the educational status of students of physical education colleges in the country. *Harkat*, 8(4), 37-53. (Persian)

Kordnaeij, A., Zali, M. R., & Bahamin, M. (2013). Structural solutions of entrepreneurship development in Iran. *Journal of Entrepreneurship Development*, 6(2), 95-114. (Persian)

Lara-Bocanegra, A., Bohórquez, M.R., & García-Fernández, J. (2022). Innovation from sport's entrepreneurship and intrapreneurship: opportunities from a systematic review. *International Journal of Sports Marketing and Sponsorship*, 23(5), 863-880.

Artakhov Anton, B. (2022). Classification and systematization of approaches to the definition of technology entrepreneurship. *π-Economy*, 94(2), 89-101.

Bratianu, C., & Stanciu, S. (2010). An overview of present research related to entrepreneurial university. *Management & Marketing*, 5(2), 117-134.

Clark, B. (1998). *Creating entrepreneurial universities: Organizational pathways of transformation*. New York: Pergamon. Retrieved from: <http://www.amazon.com/Creating-Entrepreneurial-Universities-OrganizationalTransformation/dp/0080433545>

Costa, C., & Miragaia, D.A.M. (2022). A systematic review of women's entrepreneurship in the sports industry: has anything changed? *Gender in Management*, 37(8), 988-1008.

Etzkowitz, H., & Klofsten, M. (2005). The innovating region: toward a theory of knowledge-based regional development. *R & D Management*, 35(3), 243-255.

Firoozi Laktrashani, Z., Delkhosh Kasmaei, A., & Safari, M. (2022). Presenting a model of educational system based on the development of students' entrepreneurial attitude (Case study: vocational schools in Tehran). *Political Sociology of Iran*, 5(8), 2431-2452. (Persian)

Gibb, A. Klofsten, M., & Hofer, A. (2015). The entrepreneurial higher education institution: a review of the concept and its relevance today. 1-14. Available at: [http://pascalobservatory.org/sites/default/files/heinnovate\\_analytical\\_paper.pdf](http://pascalobservatory.org/sites/default/files/heinnovate_analytical_paper.pdf)

Hemme, F., Morais, D., Bowers, M., & Tood, J. (2016). Extending sport-based entrepreneurship theory through phenomenological inquiry. *Sport management review*, 20(1), 92-104.

faculty of agriculture and natural resources, university of Tehran. *Economic Research and Agricultural Development of Iran*, 40(2), 115-122. (Persian)

Rafiei, N., Yarmohammadian, M., & Keshtiaray, N. (2020). Designing entrepreneurship training content pattern for humanities. *Journal of Research in Teaching*, 7(4), 150-169. (Persian)

Rahimi, G., Soltan Hoseini, M., Razavi, M.J., & Afkhami, M. (2013). Participatory management practices to estimate the relative contribution of entrepreneurship from the perspective of physical education office staff Yazd. *Sports Management Studies*, 5(19), 37-50. (Persian)

Rahmati, M., Alvandi, A., & Hoseini, E. (2022). Presenting a sports entrepreneurship development model in professional football league clubs: a mixed approach. *Quarterly Scientific Research Journal of Entrepreneurship Development*, 15(2), 203-221. (Persian)

Rajput, P. S. (2015). Effects of foreign direct investment (FDI) in the Indian economy. *PARIDNYA-The MIBM Research Journal*, 3(1), 38-43.

Ratten, V., & Jones, P. (2018). Future research directions for sport education: toward an entrepreneurial learning approach. *Education Training*, 60 (5), 490-499.

Rauch, A., & Hulsink, W. (2015). Putting entrepreneurship education where the intention to act lies: An investigation into the impact of entrepreneurship education on entrepreneurial behavior. *Academy of Management Learning & Education*, 14(2), 187-204.

Saeidi Mehrabad, M., & Mohtadi, M. (2009). Impact of entrepreneurship education on the development of entrepreneurial behavior case study: Entrepreneurial training courses at the ministry of labor and social affairs. *Journal of Entrepreneurship Development*, 1(2), 57-74. (Persian)

Marzban, SH., Movahedi, R., & Noruzi, KH. (2017). Analysis of barriers to entrepreneurship education in schools. *Management and Entrepreneurship studies*, 3(2), 83-97. (Persian)

Mohd Noor, N. H., Yaacob, M. A., & Omar, N. (2021). Creating future young entrepreneur in the new normal: the role of facilitative law, normative support and entrepreneurial knowledge. *Academic Journal of Business and Social Sciences (AJoBSS)*, 5(1), 1-15.

Mondalizade, Z., Ehsan, M., & Honari, H. (2016). Developing sustainable entrepreneurship model in sport based on the grounded theory. *Sport Management*, 8(5), 709-725. (Persian)

Mosavi, T., Farahani, A., Nejat Esfahani, A., & Honari, H. (2012). Designing the model of corporate entrepreneurship based on the relationship between corporate strategy and dimensions of corporate entrepreneurial orientations in physical education organization. *Journal of Sports Management*, 4(12), 201-217. (Persian)

Nova, J. (2015). Developing the entrepreneurial competencies of sport management students. *Procedia -Social and Behavioral Sciences*, 3916-3924.

Peixoto Naia, A. (2013). Entrepreneurship education in sport sciences: Implications for curriculum development. In Thesis, Universidade de Lisboa.

Pellegrini, M. M., Rialti, R., Marzi, G., & Caputo, A. (2020). Sport entrepreneurship: A synthesis of existing literature and future perspectives. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 16(3), 795-826.

Perkmann, M., Tartari, V., McKelvey, M., & Autio, E. (2013). Academic engagement and commercialization: A review of the literature on university-industry relations. *Research policy*, 42(2), 423-442.

Poor Atashi, M., & Mokhtar Nia, M. (2010). Investigating the factors affecting the entrepreneurship of agricultural graduates from the perspective of faculty members of the

Safari, S., & Samizadeh, M. (2012). Needs assessment of entrepreneurial knowledge and skills training. *Journal of Educational Technology*, 7(1), 65-77. (Persian)

Sánchez-Oliver, A.J., Gálvez-Ruiz, P., Grimaldi-Puyana, M., Fernández-Gavira, J., & García-Fernández, J. (2019). New ways of sports entrepreneurship in the university. *Journal of Entrepreneurship and Public Policy*, 8(1), 5-21.

Sandra, S., & Dubinsky, L. (2007). Institution entrepreneurship for universities in transition. *European Journal of Marketing*, 34(11), 1315-1337.

Santos, F.J., Romero, I., & Fernández-Serrano, J. (2012). SMEs and entrepreneurial quality from a macroeconomic perspective. *Management Decision*, 50(8), 1382-1395.

Sepahvand, R., Solgi, Z., & Akbaripasham, F. (2018). The impact of orientation and planning of varied career orientation on employability of graduates in higher education. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 24 (1), 71-90. (Persian)

Shamsudin, S. F. F., Al-Mamun, A., Nawi, N. C., Nasir, A. M., & Zakaria, M. N. (2015). Policies and practices for entrepreneurial education in Malaysia: a review. 27-36.

Valerio, A., Parton, B., & Robb, A. (2014). *Entrepreneurship education and training programs around the world*. Washington DC: The World Bank.

Ziviar, F., Farahani, A., & Keshavarzi, L. (2017). Identification and prioritization of obstacles to organizational entrepreneurship in the ministry of sport and youth. *International Journal of Social Science and Economic Research*, 2(11), 5118-5136. (Persian)